



## مراد از راه‌های آسمان و زمین در کلام امام علی (ع)

ابراهیم دینانی در سایت شخصی خود با اشاره به آسمان وجود انسان گفت: این آسمان‌هایی که از پشت تلسکوپ‌ها رصد می‌شوند مهم نیستند، بلکه آسمان‌هایی در سپهر وجود انسان قرار دارد...

ابراهیم دینانی در سایت شخصی خود با اشاره به آسمان وجود انسان گفت: این آسمان‌هایی که از پشت تلسکوپ‌ها رصد می‌شوند مهم نیستند، بلکه آسمان‌هایی در سپهر وجود انسان قرار دارد که آن‌ها کارفرمای این عالم هستند. پس آسمان یعنی جای بالا. این بالا کجاست؟ در وجود انسان رشته‌قوایی وجود دارد از جمله حسی، شمی، بصری، خیالی و عقلی و ادراک عقلی از دیگر حواس بالاتر است و بالای واقعی است؛ زیرا اگر عقل نباشد، حس نیز معنایی ندارد. عقل است که باید به حس معنا بدهد. به گزارش خبرگزاری مهر، ابراهیم دینانی در سایت شخصی خود گفت: امام علی (ع) می‌فرماید من به کوچه و خیابان‌های آسمان آشنا تر و آگاه‌ترم نسبت به کوچه و خیابان‌های زمین. حال باید دید که در اینجا مراد از آسمان و زمین چیست؟ در اینجا منظور از آسمان، کرات آسمانی نیستند. این کراتی که ممکن است بشر روزی به آنها دست پیدا کند که دارای شرایط حیات باشد و در آنجا خیابان هم درست کند، معلوم نیست جایی زیباتر از زمین باشد. همه این‌ها زمین شمرده می‌شود.

در اینجا منظور از سماء، همان «سُمو» است به معنای بالا و تعالی. اشکال اینجاست که انسان، کرات آسمانی دیگر را آسمان می‌داند و می‌اندیشد که در بالا قرار دارند، اما معلوم نیست که این‌ها بالاتر باشند. براساس تفکری که کره زمین را مرکز عالم می‌دانستند می‌اندیشیدند که آنجا بالاست، در حالی که اکنون که کره زمین دیگر به عنوان مرکز عالم شناخته نمی‌شود. دیگر اصولاً بالا و پایین وجود ندارد و کسی که در کره ماه قرار گرفته است، معلوم نیست که آنجا را بالا بداند.

این بالا که همان «سماء» است در خود انسان قرار دارد و این بالا بودن واقعی است. اما در بیرون از انسان فقط جهات قراردادی است. مانند یمین و یسار و امام و خلف که اموری اعتباری هستند و واقعی نیستند. اگر چیزی در طرف راست و چیزی در طرف چپ من باشد، وقتی که برگردم جهات برعکس می‌شوند و راست و چپ تعویض می‌شوند. پس به تعبیری یمین و یسار می‌تواند تغییر کند و همین مسئله درباره امام و خلف و بالا و پایین نیز صادق است.

این امور، اعتباری هستند و نفس الاموری و واقعی شمرده نمی‌شوند. در حالیکه آسمانی که در کلام حضرت امیر (ع) آمده است یا در برخی از آیات قرآن به معنای بلندا و بالای واقعی است. بنابراین بالا و پایین در خود انسان است.

### آسمان‌هاست در ولایت جان کارفرمای آسمان جهان

این آسمان‌هایی که از پشت تلسکوپ‌ها رصد می‌شوند مهم نیستند، بلکه آسمان‌هایی در سپهر وجود انسان قرار دارد که آن‌ها کارفرمای این عالم هستند. پس آسمان یعنی جای بالا.

این بالا کجاست؟ در وجود انسان رشته‌قوایی وجود دارد از جمله حسی، شمی، بصری، خیالی و عقلی و ادراک عقلی از دیگر حواس بالاتر است و بالای واقعی است؛ زیرا اگر عقل نباشد، حس نیز معنایی ندارد. عقل است که باید به حس معنا بدهد و زمانی که چیزی دیده می‌شود، اگر در پشت آن عقلانی نباشد حس بی‌معناست و این معنا را عقل به حس می‌دهد که در مرتبه بالاتری است.

اندیشمندی اروپایی می‌گوید چشم من مانند عینک است. افرادی که چشم‌هایشان ضعیف است بدون عینک نمی‌بینند، پس خود چشم نیز مانند عینک است که از پشت آن می‌توانیم جهان را ببینیم. او می‌گوید من به ضرورت عینک باور دارم اما چشمی باید باشد که از پشت عینک ببیند. انسانی که چشم ندارد از پشت عینک هم نمی‌بیند. بنابراین خود چشم ما عینک است و چیزی از درون جان ما از دریچه چشم ما می‌بیند. یک اندیشمند غربی می‌پرسد: آیا این چشم شماس است که می‌بیند یا چیز دیگری از درون چشم شما می‌بیند؟ مسلم است که چیزی از درون چشم است که می‌بیند، حال این درون نیز همچنان درون اندر درون ادامه دارد و این‌ها آسمان‌های جان آدمی است.

شخصی مانند مولا علی (ع) که انسان کامل و ولی مطلق خداوند است، سپهر جان آن حضرت، آسمان‌ها، ستاره‌ها و کهکشان‌هایی دارد و در هر کهکشانی از سپهر جان مولا معارف غیرمتناهی وجود دارد که این معارف در حیطه قدرت ولوی مولا امیرالمومنین (ع) است. از این جهت آن حضرت می‌فرماید که من به کوچه‌های آسمان یا همان معارف الهی، آشنا تر از آنچه در کوچه‌ها و خیابان‌های زمین است.

کوچه و خیابان‌های زمین را انسان‌های معمولی نیز می‌دانند اما در سپهر جان آدمی، آسمان‌های واقعی وجود دارد که در آن معارف است. این معارف معارف الهی است که شمه‌ای از آن به واسطه خاندان عترت و طهارت به ما رسیده است. اینکه حضرت می‌فرماید: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» به این معناست که از این معارف از من بپرسید! حضرت نمی‌گوید که از من بپرسید که کوچه‌های مدینه به چه صورت است یا فلان رودخانه کجاست؟

بنابراین آن معارفی که در سپهر جان حضرت امیرالمومنین (ع) وجود دارد و در آسمان جان هر سالک، عارف یا ولی نیز وجود دارد، این‌ها معارف الهی است و از مکمن غیب است. این معارف از طریق مدرسه و درس خواندن به دست نیامده است بلکه از طریق باطنی به آنها رسیده‌اند. این‌ها از مکمن غیب آمده و سپهر جان او را از تشکیل داده است. این معارف، معارف واقعی است و این آسمان، آسمان واقعی است. این آسمان‌ها که معارف غیبی است، در جان حضرت مولاست و غیب، خود اوست. حضرت در غیب نیست بلکه غیب در وجود حضرت و او حقیقت غیب است.